وان پیس (جلد دوم)

ائیچیرو اودا

مترجم: آیدا محمدلو

وان پیس (جلد دوم) مانگا

نویسنده: **ائیچیرو اودا** • مترجم: **آیدا محمدلو**

مدیرگروه ترجمه: **اکرم شکرزاده** • ویراستار: **سمیه شکرزاده**

ناشر: **نگاه آشنا** • طراحی جلد: **مجید غلامحسینی**

صفحه‌آرا: **زیبا کتاب** • تاریخ و نوبت چاپ: **اول، ۱۴۰۳**

شمارگان: **۵۰۰ نسخه** • شابک: **۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۱۱۹-۳**

شابک دوره: **۹۷۸-۶۲۲-۳۸۵-۰۵۷-۸**

کلیه حقوق این اثر ترجمه، متعلق به «انتشارات نگاه آشنا» می‌باشد و هرگونه خرید و فروش با مترجم و یا کپی از متن کتاب غیرقانونی بوده و قطعاً پیگرد قانونی خواهد داشت.

سرشناسه : اودا، ایچیرو، ۱۹۷۵- م. Oda, Eiichiro

عنوان و نام پدیدآور : وان‌پیس / ائیچیرو اودا؛ مترجم آیدا محمدلو؛ مدیر گروه ترجمه اکرم شکرزاده؛ ویراستار سمیه شکرزاده. مشخصات نشر : قم : نگاه آشنا، ۱۴۰۳- مشخصات ظاهری : ج. : مصور؛ ۵/۲۱×۵/۱۴س‌م.

شابک : دوره۸-۰۵۷-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸ : ؛ ج. ۲ : ۳-۱۱۹-۳۸۵-۶۲۲-۹۷۸ :۱

وضعیت‌فهرست‌نویسی : فیپا یادداشت : اصل اثر ژاپنی است و کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان "One piece" به فارسی برگردانده شده است. یادداشت : عنوان دیگر : وان‌پیس (مانگا).

موضوع : داستان‌ها، مجله‌ها، و فکاهیات تصویری -- ژاپن داستان‌های تصویری -- ژاپن

شناسه افزوده : محمدلو، فائزه، ۱۳۷۴-، مترجم

شناسه افزوده : شکرزاده، اکرم، ۱۳۶۲-، مترجم

رده بندی کنگره : PN۶۷۹۰

رده بندی دیویی : ۷۴۱/۵۹۴۹۳[ج]

شماره کتابشناسی ملی : ۹۵۹۹۰۸۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

۰۹۱۲۱۵۱۰۴۸۴ ۰۲۵-۳۲۹۲۴۵۸۳

One Piece

جلد ۲: باگی دلقکه

ائیچیرو اودا

وان پیس
جلد ۲

توی عصر طلایی دزدای دریایی، تمام دزدای دریایی از جای‌جای جهان به دل اقیانوس‌ها زدن تا گنج بزرگ و مرموز گلد راجر یعنی «وان پیس» رو پیدا کنن. در این بین پسر جوونی به اسم مانکی دی. لوفی از بچگی با داستان‌های ماجراجویانه و پرهیجان شنکس موقرمز و رؤیای تبدیل‌شدن به پادشاه دزدای دریایی بزرگ شده، اما یه مشکلی براش پیش اومده؛ لوفی شیطون تو بچگی میوهٔ درخت گام-گام رو می‌خوره و تا آخر عمرش مهارت شناکردن رو از دست می‌ده، ولی با خوردن این میوه، مثل لاستیک قدرت کش‌اومدن رو به دست می‌آره..

پسری که میوهٔ درخت گام-گام رو خورده و می‌خواد پادشاه دزدای دریایی بشه، همچنین در این میون دنبال قهرمان کودکی‌ش «شنکس موقرمز» هستش.

کاپیتان گروه دزد دریایی، شنکس موقرمز.

اون کسیه که جون لوفی رو نجات داده و یکی از دستاش رو توی جنگ از دست داده. همچنین اون قهرمان لوفیه و کسیه که باعث شده لوفی عاشق دریا بشه.

رورونوآ به‌عنوان «شکارچی دزدای دریایی» شهرت داره، اما رؤیای اصلی‌ش اینه که تبدیل به بزرگ‌ترین شمشیرزن جهان بشه.

موجی باگی کاباجی

شاه‌دزدی که هدفش دزدی از دزدای دریاییه.

لوفی در شروع ماجراجویی‌ش به زورو برمی‌خوره و بهش پیشنهاد می‌ده یکی از خدمهٔ گروه دزد دریایی‌ش بشه، اما چیزی نمی‌گذره که دریا این دو نفر رو از هم جدا می‌کنه و گیر باگی دلقکه، کاپیتان دریایی باگی می‌ندازه. در همین حین، لوفی با نامی، دزدی که جیب دزدای دریایی رو خالی می‌کنه، آشنا می‌شه. از یه طرف نامی، از طرفی هم یه دزد دریایی ظالم... لوفی چه‌طور می‌خواد خودش رو نجات بده؟ شاید بتونه با یه تیر چند تا نشون بزنه... هم خودش رو نجات بده، هم یه خدمهٔ جدید پیدا کنه، هم راز بزرگ موفقیت باگی رو کشف کنه!

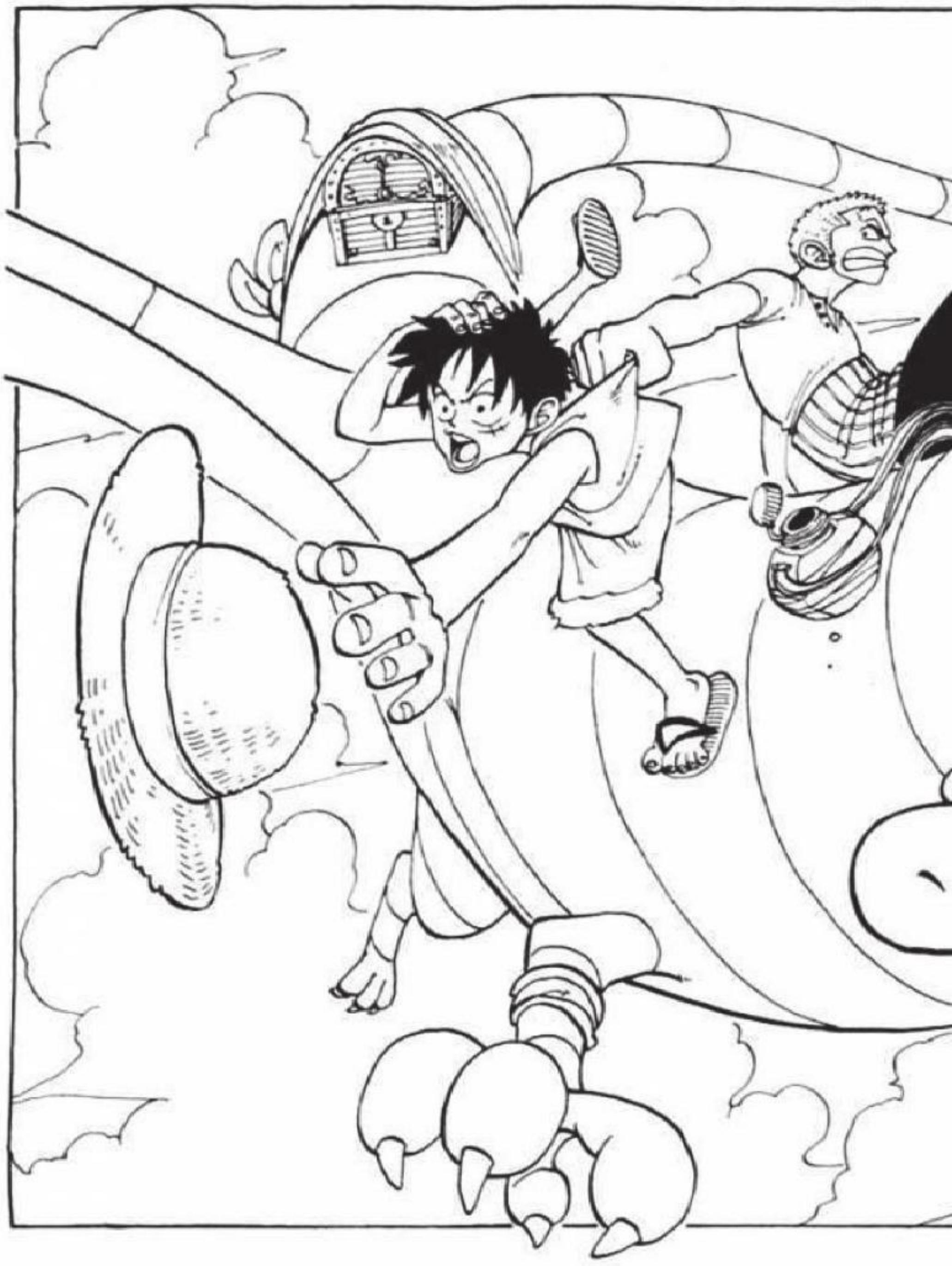

جلد ۲: باگی دلقکه

فهرست

فصل ۹: زن شیطانی.....۱۱

فصل ۱۰: توی کافه‌بار چه خبره!.....۳۳

فصل ۱۱: فرار.....۵۷

فصل ۱۲: سگه.....۷۷

فصل ۱۳: گنج.....۹۸

فصل ۱۴: حماقت!!.....۱۱۸

فصل ۱۵: گُنگ.....۱۳۷

فصل ۱۶: ناوگان دزد دریایی باگی.....۱۵۷

فصل ۱۷: گنده‌لات‌بازی.....۱۷۵

فصل ۹: زن شیطانی

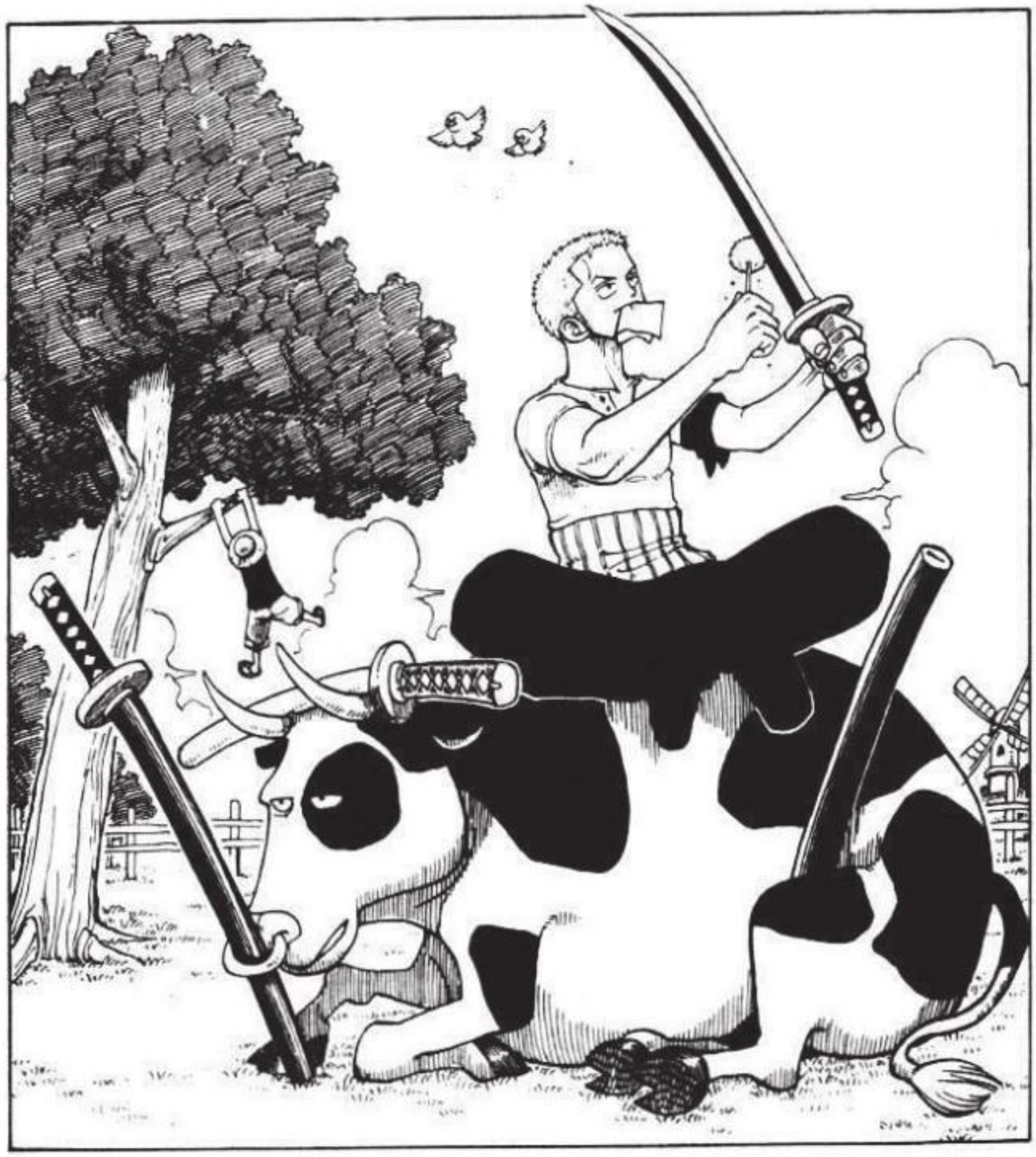

درسته!
من یه شاه‌دزدم! سوژه‌هام دزدهای دریایی‌ان!
ببین ما اگه با هم همکاری کنیم، می‌تونیم کلی پول دِرو کنیم!
نُچ! دوست ندارم باهات همکاری کنم!
هوی، یه لحظه وایسا!
すた すた
ぴょん
شاه‌دزدی که جیب دزدهای دریایی رو می‌زنه نامی

بگو ببینم، اون کلاه دیگه چیه؟
وقتی اون کله‌پوکا می‌خواستن بهش دست بزنن، بدجور آمپر چسبوندی! نکنه گرون‌مِرونه؟
این کلاه گنجینهٔ منه!

هومممم... گنجینه!!
نکنه توش طلا و جواهر قایم کردی، کَلَک؟
یا شایدم یه نقشهٔ گنج؟ هان؟!

寂一一死

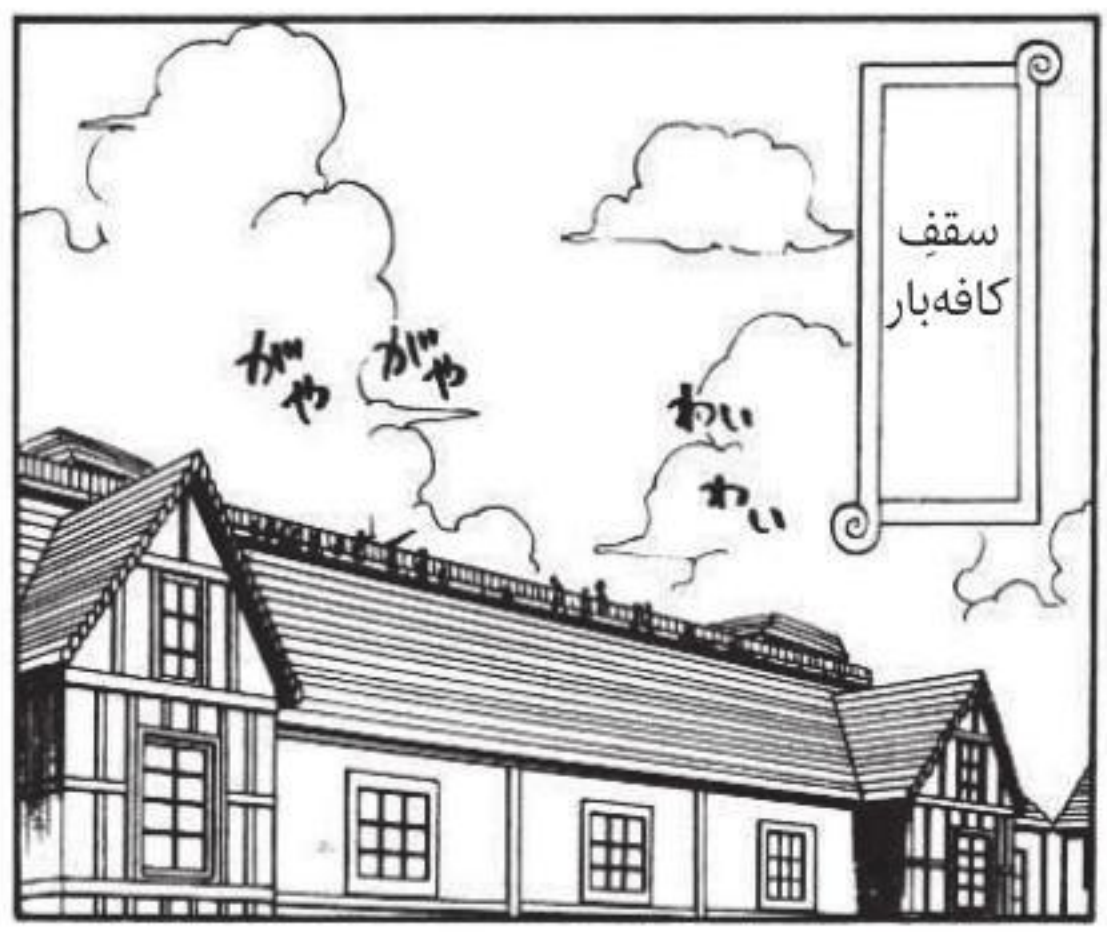
سقفِ کافه‌بار
がや がや
わい わい

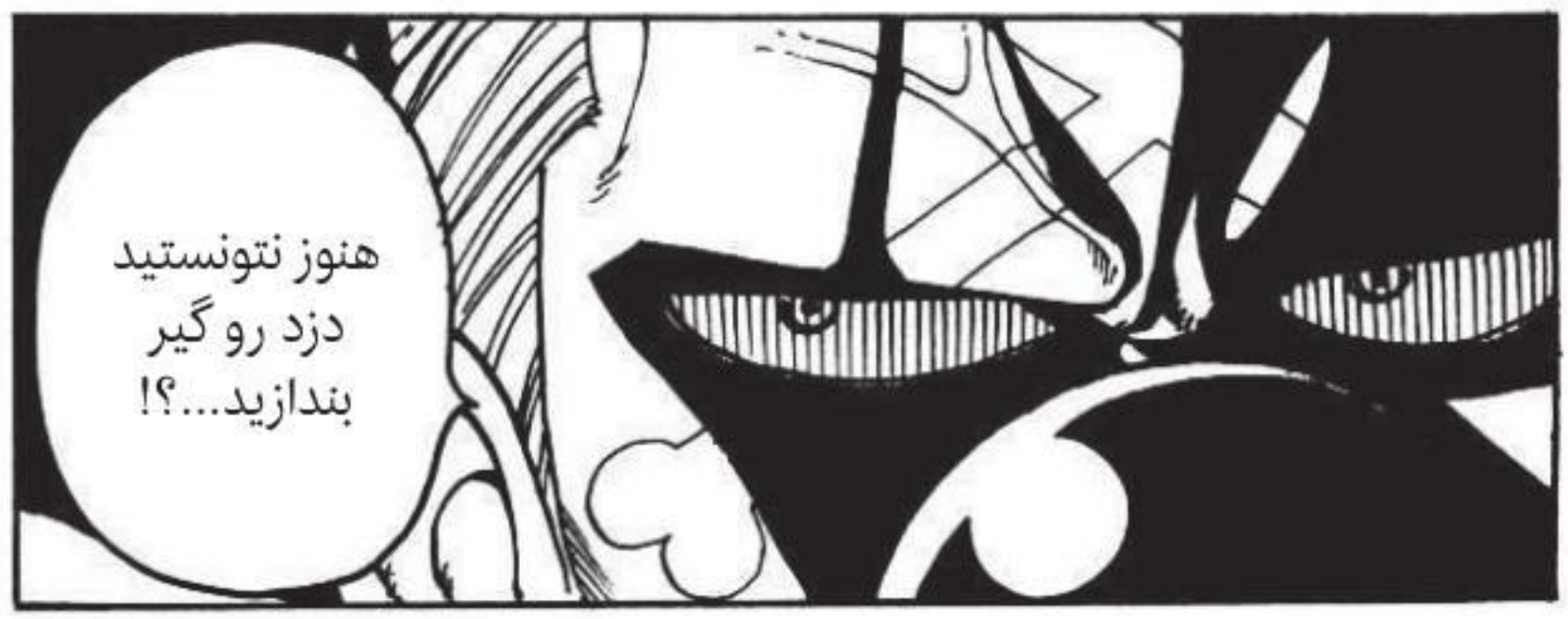
هنوز نتونستید دزد رو گیر بندازید...؟!

توی زبان ژاپنی تلفظ کلمات «دماغِ گرد» و «برگشتن» شبیه همه.

توی زبان ژاپنی تلفظ کلمات «دماغ گنده و قرمز» و «سوءتفاهم» شبیه همه.

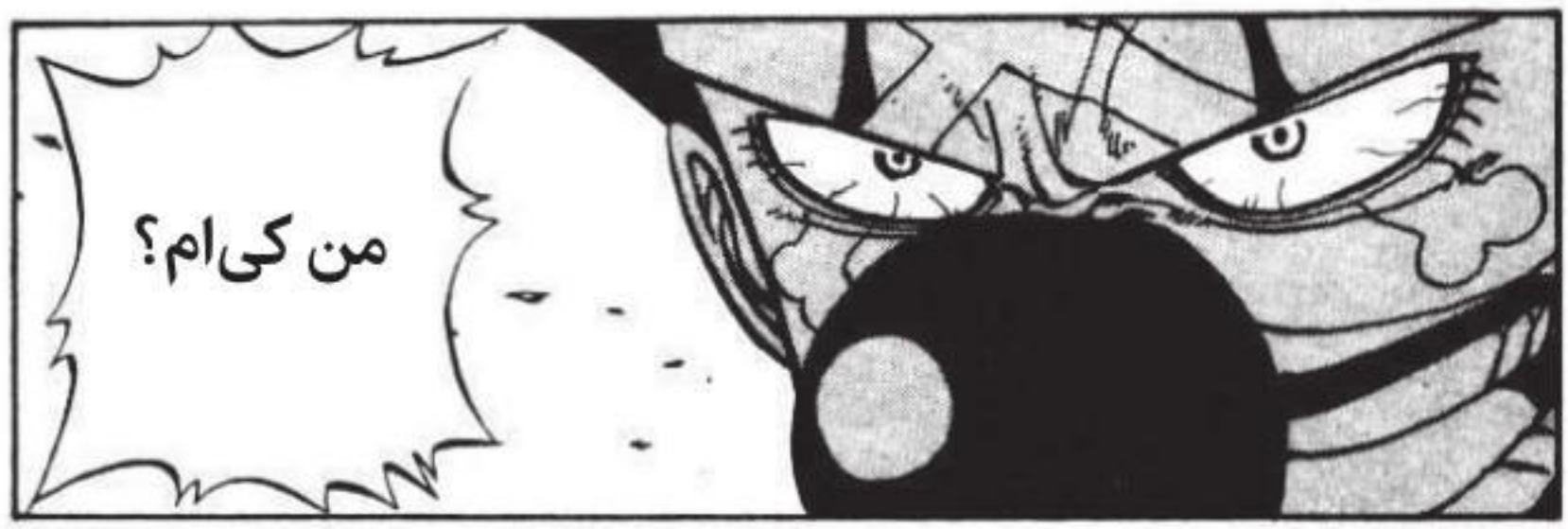

باز قدرتش رو رو کرد!
哇 呵...!
قدرت میوهٔ شیطانی‌ش رو!
توپ رو آماده کنید!!
کاپیتانِ ناوگانِ دزدانِ دریایی باگی
باگی دلقکه

من کار اشتباهی نکردم...!! کم...کمکم کنید!!
嗚...
啊...
تیکه‌تیکه‌ش کنید!!
آهههههههه!!

نقشه رو پیدا کنید!
تپ
تپ
بووومممم
و کل شهر رو هم جارو کنید! یه تیکه طلا هم دست مردمش نمونه!

بـ...بله قربان!
کاپیتان باگی!

آه...
پس از خدمه‌ت جدا شدی...
حالا چند تا خدمه داری؟

فقط یه دونه... این‌جا خونهٔ توئه؟
نه، نمی‌دونم خونهٔ کیه.
همهٔ اهالی شهر توی یه پناهگاه خارج از شهر مخفی شده‌ن.
از دست باگی و نوچه‌هاش فرار کرده‌ن.

هممم... یعنی تا این حد ترسناکه؟
اسم این دزد دریایی نامی بود؟
نامی منم!!
دزد دریاییه باگیه!!
اسمامون رو قاطی نکن!

باگی...
به عشقش به توپ معروفه.

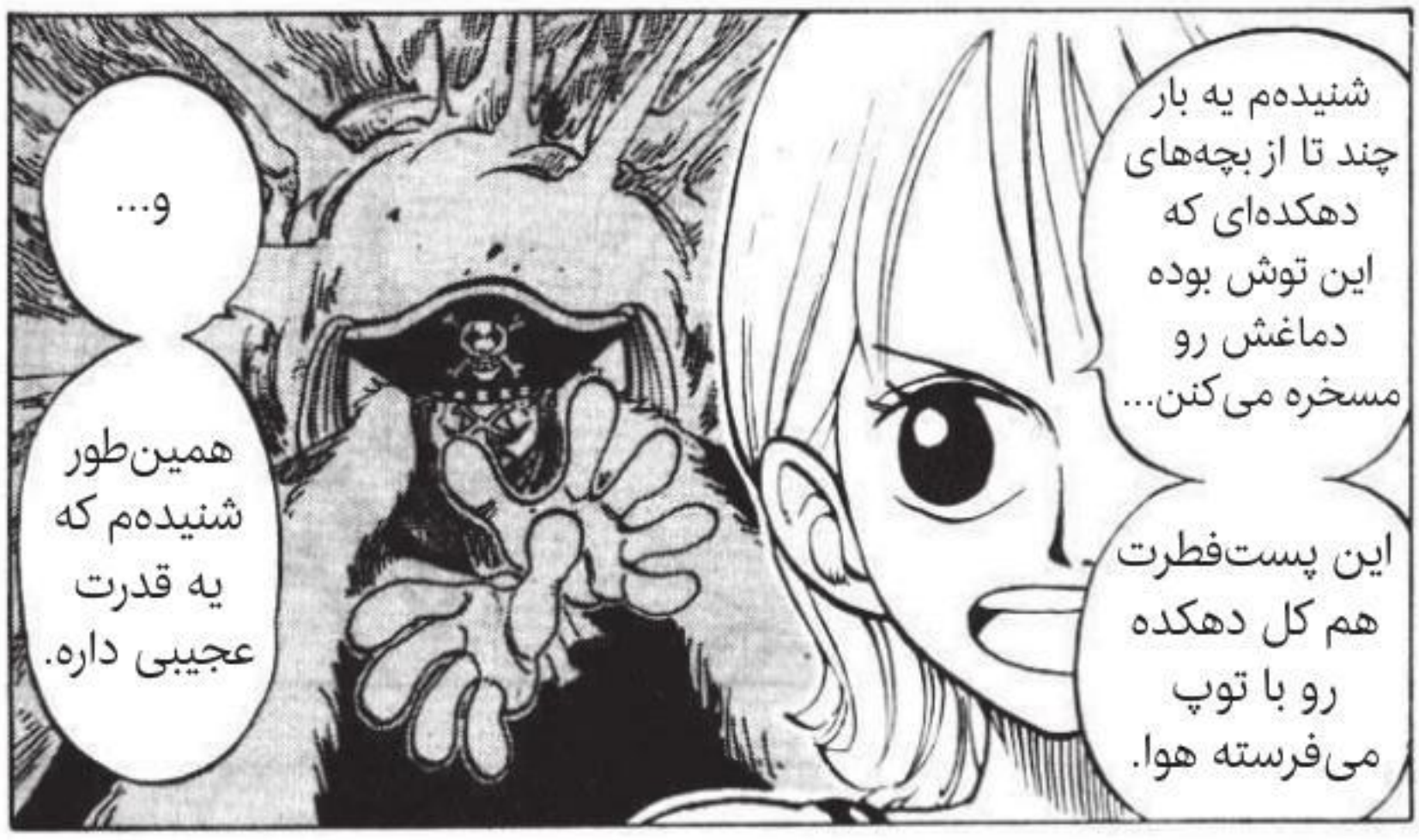
شنیده‌م یه بار چند تا از بچه‌های دهکده‌ای که این توش بوده دماغش رو مسخره می‌کنن...
این پست‌فطرت هم کل دهکده رو با توپ می‌فرسته هوا.
و...
همین‌طور شنیده‌م که یه قدرت عجیبی داره.

پس چرا کسی توی این دهکده نیست؟
مگه کَری؟ همین دو دقیقه پیش گفتم از ترس این پست‌فطرت توی سوراخ موش قایم شده‌ن!

آهان، پس تو داری از خونه‌های خالی دزدی می‌کنی...
نخخییرم! گفتم که من فقط از دزدهای دریایی دزدی می‌کنم! افتاد؟!
ばんっ!!

این‌قدر من رو با اون دله‌دزدا مقایسه نکن!
وای خدا، دارم دیوونه می‌شم! حرف‌زدن باهات بدتر از حرف‌زدن با ده تا بچه‌س!!
ها ها ها ها، فشاری نشو حالا، ریلکس!
ها ها ها

呼呼・・・・・・!
آه‌کشیدن
・・・・・・・

هدف من اینه که صد میلیون بِلی جمع کنم!

بعدش می‌خوام با اون پول یه دهکدهٔ همه‌چی‌تموم بخرم!!!